



مصاحبه با شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی در مورد تعاون

می کردیم حالا به حلش رسیدیم بودیم منتهی خوب، چنان نیست که بنده بتوانم راجع به کلیه نهادهای اقتصادی جامعه جمهوری اسلامی الان بحث کنم به هر حال اساس این است که ما به سمت حذف بهره برویم به همین دلیل در قانون اساسی هم آوردیم مطالب دیگری که سوال کردید همه اش را من در این توضیحاتی که گفتم وارد کردم مسئله مشکل تعاونی که با شرکتهای سهامی خاص می تواند فرقی داشته باشد و مسئله بهره بردن از تعاونی ها است که اگر قرار باشد در شرکتهای تعاونی بهره باشد اصلا در دراز مدت ممکن است همین شرکت تعاونی خودش یک سرمایه دار کلان از کار در بیاید که نمی شود چون باید کار بکند هیچ وقت سرمایه دار نمی شود یعنی تا بخواهد بزرگ بشود احتیاج به نیروی کار دارد اگر تلاش کرد که بزرگ بشود بدون آنکه احتیاج به نیروی کار داشته باشد همان چیزی که رژیمهای سرمایه داری از آن بهره مند هستند ما بهره مند می شویم بدون استثمار و آن این است که باید از نظر استفاده از ماشین و انواع کار متری تر و بیش رفه تر اینکاراتی بخرج بدهیم مثلا با ده نفر، سرمایه یک میلیون تومانی، یک تعاونی را - شروع میکند.

همین ده نفر بدون اینکه کارگر بگیرند بتوانند با سرمایه ۱۰۰ میلیون تومان کار کنند این معنایش این است که کار اینها پیشرفته تر می شود درست همان نقطه قوت سرمایه داری در اینجا هست برای اینکه به نیروی انسانی کمتر نیاز داشته باشد ماشین را جانشین نیروی انسانی میکند، خوب بگذارید این

# تعاونی ها پایان جدائی کار از سرمایه

## قسمت دوم

حرکت به سود بشر یعنی پیشرفت فن و تکنیک بشود، پس این ۱۰ نفر اینکار را بکنند، و تلاش هم بکنند، و اما به محض اینکه به نیروی کار احتیاج پیدا کردند و خواستند کارشان را توسعه دهند، یعنی اگر خواستند یک میلیون سرمایه را ۱۰ میلیون بکنند احتیاج پیدا می کنند به اینکه ۱۰ نفر همکار دیگر بگیرند، خوب این ده نفر باز باید صاحب سهم باشند و الا تعاونی نیست یعنی تعاونی به این معنا که ما گفتیم این است که هر کسی آنجا کاری می کند متناسب با ساعت کارش و خریب کارش سهم داشته باشد و سرمایه داشته باشد، پس این منطقی شد.

سوال - سودش را عرض می کنم می تواند سود از تعاونی برداشت کند.

سوال - در ضمن صحبتهایتان مسئله وام بدون بهره را مطرح نمودید ممکن است در این زمینه و اقدامات انجام شده و همچنین شکل و چگونگی رابطه سرمایه و نیروی انسانی در تعاونی ها و سود دهی آنها توضیحاتی بفرمایید.

پاسخ - مسئله بهره در اقتصاد ما باید حل شود حل آنهم یک حل کلی است یعنی اگر در کل اقتصاد ماتمسیم بگیریم نمی توانیم مسئله بهره را حل کنیم البته من به سهم خود معتقد بودم اگر قاطعانه حرکت

مقدمه:  
در شماره گذشته از مصاحبه شهید مظلوم آیت الله اسلامی این است که بهشتی از بین بردن استثمار را هر رابطه با تعاونی ها و راه حل های تعاونی و اجتماعی این مسئله را از زبان انسان در زمان کودکی، اینک در دنباله بحث گذشته، چگونه بهره بردی غیر استثمار در اقتصاد را و همچنین رابطه کار و سرمایه را از دیدگاه اسلام از زمان این شهید بزرگوار مورد بررسی قرار می دهیم به امید آنکه با نیروی از رهنمودهای اقتصادی این شهید عزیز، بتوانیم هرچه بیشتر در مسیر رسانیدن عبودیت انقلاب کیرمساز اینک در حال ارسال تر و مایه دار تر گردد.  
انشاء الله

پاسخ - این معنایش مثل همان کلید سازی است که با سرمایه خودش کار می کند هرچی در می آورد مال خودش است دیگر سود برداشت می کند یا غیر، این مال خودش است اما برای چی سود برداشت می کند برای اینکه مصرف بکند. اما اگر خواست سود برداشت بکند برای افزایش سرمایه که این افزایش سرمایه بدون افزایش کار است که اشکالی ندارد و این معنایش این است که باید کیفیت کار را بالا ببرد یا ساعات کار بیشتری را کار بکند یا خلاقیت نشان بدهد تا با استفاده از طرحهای فنی همان نیروی کار، کار بیشتری انجام بدهد و یا باید همکار اضافه کند که اگر نخواهد همکار اضافه کند دیگر سرمایه مال این نیست مال دیگری می باشد.

**سوال - در صورتی این سود می تواند اضافه باشد که تولیدهایش را هم گران به جامعه عرضه کند.**

پاسخ - آنکه بحث دیگری است آن را نرخ می گویند علی کل حال ما در نظام اقتصادیمان نرخ گذاری داریم اصلاً آن یک بحث دیگری است، این آقا در پایان سال می تواند سود بردارد و یا نه، بگویند بله سود بردارد، و معنایش چیست؟ معنایش این است که آنها در طول سال یک حقوق بر می دارند عین دو نفر شریک خصوصی که کار می کنند یک حقوق بر می دارند و آخر سال حساب می کنند، چقدر سود برده اند ولی این سود که بر می دارند یا باید مصرف کنند یا باید پس انداز کنند یا باید تبدیل به سرمایه کنند که مصرف و پس اندازش به قبول خاص خودش می رود، اگر خواست به سرمایه اضافه کند و اگر سرمایه قبول کند، یا احتیاج به نیروی کار جدید دارد یا ندارد و اگر احتیاج به نیروی کار جدید نداشته باشد پس معنایش این است که این ادما می توانند با سرمایه بیشتر یعنی با دستمایه بیشتر بدون نیروی کار جدید کار بیشتر بکنند، این پیشرفت فنی جامعه است و یا نه احتیاج به نیروی کار جدید دارند، دیگر سرمایه مال خودش نمی تواند باشد به این آقا می گویند شما نمی توانید سرمایه بگذارید، هر کس که نیروی کارش را می آورد با سرمایه اش نیز می آید هر کس به تعاونی می آید با سرمایه اش می آید.

**سوال - پس اینطور که شما فرمودید کسانی که آنجا کار می کنند باید برای کارشان حقوق متناسب دریافت کنند یعنی هیچ کس با کارش نمی تواند در شرکت تولید، سهمین بشود ولی با سرمایه اش می تواند سهمین بشود.**

پاسخ - بله ببینید یعنی با کار بدون سرمایه

## جهاد

کسی سهمین نمی شود همان کسی که کارش را می آورد سرمایه اش را هم می آورد نه با سرمایه بدون کار می شود و نه با کار بدون سرمایه چون ما می خواهیم با شرکت تعاونی به افسانه جلدانی کار از سرمایه در یک میدان گسترده ای پایان بدهیم.

**سوال - این سرمایه را چنانچه دولت به او وام بدهد اینهم شامل می شود.**

پاسخ - بله آنوقت ما می گویند آن کسی که می خواهد با سرمایه اش وارد میدان کار بشود یا

**\* همه مشکلات اقتصادی را نمی شود فقط با تعاونی حل کرد یک مسئله مهم، مسئله سیستم صحیح نرخ گذاری است.**

سرمایه از خود دارد که خوب می آورد یا ندارد که دولت به او وام می دهد.

**سوال - نقش جهاد در رابطه با این تعاونیها را چه می دانید آیا جهاد می تواند شاخه مالی تعاونی و فرهنگی آنها باشد.**

می کنند، «پانه». اگر در آنجا کارگرانی هستند که دارای سرمایه نیستند و کار می کنند این تعاونی نیست و آنجا انسان باید کار بکند ولی هر کارگری آنجا نباید متناسب با ضریب کارش در سطح ساده یا پیچیده گمی به کارش سرمایه داشته باشد آنوقت دیگر پنج میلیون تومان مال این چند نفر نیست از آن کارگر هم هست. خوب ببینید اصل این است که در تعاونی باید هیچ اثری از جدایی کار از سرمایه باقی نماند ما به این تعاونی می گویند و اینکه من میگویم هیچ بحثی نمی کنم که آیا این تعاونی را در سیستم های دیگر به این شکل دارند یا ندارند اصلاً مورد بحث من نیست چکار داریم به این بحثها ما می گویند مطابق آن آرمان اجتماعی و اسلامی که داریم این تعاونی را عرضه می کنیم.

**سوال - یکی از گفته های برادرمان، نمونه اش در یزد این بود که قسمت مراکز گسترش تولیدی از سه قسمت تشکیل شده بود ۱ - قسمت عمران ۲ - تولیدی ۳ - کشاورزی در قسمت عمرانیش ایشان مثل مقاطعه کارهای سابق از دولت بصورت مقاطعه کاری کار گرفتند نیروهایشان هم در حدود ۴ الی پنج نفر بود در اینجا ابزار هست که بیشتر کار می کند و به اینها کمک می کند سرمایه ایشان یک میلیون که داشتند در عرض یکسال ده میلیون**

**\* مسئله بهره در اقتصاد ما باید حل بشود حل آنهم یک حل کلی است، یعنی اگر در کل اقتصاد ما تصمیم نگیریم نمی توانیم مسئله بهره را حل بکنیم.**

شد...

پاسخ - می دانم اینها با این ابزار که کار بکنند عیب ندارد آیا می خواهیم بدانیم کارگر می گیرند یا نه - جواب نه - هیچ کارگر ندارند اگر هیچ کارگر ندارند باشد، آخر سال ۲۰ میلیون تومان بشود البته این مربوط می شود به اینکه نرخ چقدر است یعنی ما باید نرخ کار را در کل ملک پانین بیآوریم، ببینید آقا همه مشکلات اقتصادی را نمی شود فقط با تعاونی حل کرد. یک مسئله مهم، مسئله سیستم صحیح نرخ گذاری است.

پاسخ - جهاد می تواند کمک بکند یعنی جهاد می تواند به روستائی کمک کند تا بهتر کشاورزی کند جهاد باید کمک کند تا شرکتهای تعاونی در روستاها در شهرهای کوچک در مراکز خدماتی روستایی تشکیل بشود و افراد با این کیفیت با سرمایه محدود خودشان کار کنند.

**سوال - یعنی آیا جهاد می تواند به عنوان شاخه مالی اینها باشد یعنی در یک روستا جهاد بعنوان از طرف دولت، همانطوریکه فرمودید؟**

پاسخ - آیا کسانی که دارای سرمایه نیستند کار

## ما نیامدیم که...

باید بالای سرش باشد لذا ایشان می فرمود هر شب به ما می فرمود هر شب وقتی ما پیش ایشان بودیم باید هر شب بیایید پای درس اخلاق من، تفسیر من یک ربع بنشینید این یک ربع تذکر قرآن و حدیث را بشنوید و بروید درستان را بخوانید والا اگر بنا باشد درس را بخوانید و این تذکرات اخلاقی و معنوی و قرآنی نباشد علم انسان را تاریک میکند ولو علم دین باشد انسان را غرور می گیرد چه برسد به علوم دیگر لذا شما برادران نیاز دارید نه شما بنده هم همینطور نیاز داریم به اینکه ما یک ماهی یک دفعه پانزدهمی یکدفعه یک جلسه ای فقط برای مسائل اخلاقی باشد، آن مسائل اخلاقی هم که من می گویم نه اینکه علمی، اخلاقی علمی یک مربی اخلاقی که انسان او را بخوبی می شناسد و حسن ظن به او دارد و آراسته شده بیاید برای برادران و خواهران موعظه کنند و این موعظه لازمه یک حرکتی انقلابی و اسلامی است، من این پیشنهاد را به شما می دهم بحدما... استان شما شهر شما غنی است از علماء، روحانیون نمایندگان همه اینها همه صلاحیتها را دارند و شما باید از این موقعیتها، امام جمعه محترمان همه بتوانید استفاده کنید و آقایان را بکار بکشید اگر

یک وقتی هم آقایان اینجا تشریف نیاورند بروید خانه هستند شما باید بروید بزور آقایان را بکار بکشید یک وقت هم نمی آیند البته من جسارت نکم آقایان که خودشان فعالند ولی برفرض یک وقت نباشد شما هم اینطور که من اینجا کار می کنم من را بکار انداختید والا این جز برنامه نبود که ما برای شما اینجا صحبت کنم بالاخره شما اینجا جمع شدید و اجتماع شما به من نیرو داد به جای اینکه من به شما نیرو بدهم شما به من نیرو دادید که من برای شما صحبت کنم امیدوارم این صحبتها هم برای من و هم برای شما مفید باشد اینکار را همیشه بکنید بالاخره این باغ و این جا و این جمع می شوند بالاخره پانزدهمی یک دفعه ماهی یک دفعه هر چه که شد خیلی از مسائل عمومی این مسائل خصوصی و اخلاقی را همیشه ادامه بدهید انشاء... و مفید است و من به شما قول میدهم که اگر این را ادامه بدهید یک عده برادران که برای آینده این مملکت ذخیره خواهید بود و پیام آورانی از انقلاب که بتوانید هم شهر و هم روستا را آباد کنید و ما بتوانیم یک کشوری آباد و آزاد و مستقل بسازیم انشاء...

## نقش عاشورا...

در مقیاسی عظیم تر و در مرحله ای متکامل تر ثابت می کنند که خون برشمشیر پیروز است. و اینگونه است که عاشورا تکرار می شود مردم بالاهام از مکتب آزادی بخشی اسلام و قیام امام حسین (ع) شمار سرمیدهند که هیئات من الذله بادیکناتورها و متجاوزین و یامناققین و منحرفین به نبرد برمی خیزند و آنگاه که می شنویم «اماما، اماما، مااهل کوفه نیستیم، مگرامت بعیرد، امام تنها بماند، و عملا نیز شاهد وفاداری امت به امام خودشان در شرائط کونی هستیم، جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی ماند که ادعا کنیم محرم و کربلا عاشورائی متکامل تر دروند تاریخ مبارزه حق و باطل تکرار شده است و اینک همه آنان که زنده مانده اند، همچنان در حفظ این انقلاب اسلامی که در ادامه انقلابهای جهانی انبیا و قیام امام حسین (ع) و همه نهضت های شیعی - اسلامی قرار دارد بکوشند و مسئولیت هایش را در پاسداری از خون شهدا که عامل اساسی حفظ این انقلاب بوده اند به انجام رسانند.

والسلام

## تعاونی ها پایان...

سؤال - به چه شکل و از کجا این تغییر فرهنگ را می توانیم شروع کنیم

پاسخ - فرهنگ اجتماعی بنظر من ضمن عمل و توضیح تغییر می کند الان ما یک مسئله را باید مورد توجه قرار دهیم و آن این است که فرهنگ اجتماعی را نه با عمل بدون توضیح می شود تغییر داد و نه با توضیح بدون عمل باید توضیح و عمل باهم در آمیزند تا جامعه تغییر بکند و خصلتهای جامعه عوض بشود با صرف گفتن خصلتها، قابلا عوض نمی شود، یک تغییر اراده و اندیشه موسمی نیست که دو مرتبه افراد را توی میدان بدون توضیح بیاوریم باز هم نمی شود، برای آنوقت هم باید با فشار ما اینها بروند بسوی یک عملی که آگاهانه نیست و نمی دانند چرا این کار را انجام می دهند اما اگر برایشان توضیح دادید و هم آنها را توی میدان عمل آوردید اینطور می شود که یک مرحله عمل، زمینه را برای مرحله بعدی عمل آماده می کند، توضیح بعدی اینها را تشویق می کند به عمل مرحله بعدی و همینطور می روند جلو، بنابراین ساختن جامعه و تغییر واقعی فرهنگ جامعه ما از طریق آمیختن توضیح و هدایت با عمل، خط همان توفیقی که به ایشان گفتیم.

والسلام

## اخبار جهاد...

بخیه، ۸۸۹۰۰ مورد نسخه پیچی در روستا، ۲۶۰۵ مورد نسخه پیچی بیماراران جنگ زده و مستضعف، ۱۰ مورد آموزش بهداشت اولیه در سطح بعضی از روستاها، ۳ دوره آموزش دوره امدادگری، سه مورد جمع آوری و تفکیک داروهای اضافی منازل، ۳ مورد آموزش تفکیک دارو را صورت داده است. همکاری با بیمارستان ۲۲ بهمن و امام خمینی، همکاری با بهداشت محیط در امر ساختن توالت های بهداشتی روستائی، همکاری با اداره مالاریا، انتقال شهدا در ۱۲ مورد و اجساد فوت شده روستائی از شهر به روستا ۱۹ مورد، توزیع شیر در روستا ۱۱۰۰ قوطی و کمک غذا ۷۵۰ قوطی و ۱۸۷۰۳ لیتر امشی بین روستاها در جهت بهداشت، ایجاد خانه بهداشت و درمان در مرکز اندیکا (قلمه خواجه) که شامل قسمتهای داروخانه، تزریقات، پانسمان و سایر خدمات بهداشتی و درمانی، معرفی ۵۷۰۰ نفر از بیماراران مراجعه کننده روستائی و اعضاء جهاد به بیمارستانها و درمانگاههای شهر.

## دو یادداشت از...

نشسته بودم و قبلا بهت گفتم که آن غم گنگ و مبهم و آشنا سراغم آمده بود. ناگهان خدا را دیدم. باور کن. باور کن. باور کن! دست نوازشگری را بر سرم احساس کردم خود را در زیر باران لطف بیدریغش یافتم، احساس کاذبی نبود هشیار بودم، کاملا. باور کن. او را لمس کردم. بی تاب شدم. طاقت نیاوردم. بخاک افتادم. سجده کردم. میخواستم فریاد بزنم و گریه. گریه گریه.... بیش از هر زمان دیگر او را بخود نزدیک احساس می کردم اقرب من جبل الوریید. نفسم تنگی می کندلیم را دردی عظیم می فشارد و من هم چنین دست او را بر سرم احساس می کنم حالت غریبی است. و کاش تو می توانستی بفهمی. از آن حالت های نادری است که خیلی کم سراغ آدم می آید. من در خودم شبیه آنرا کم داشته ام. این بود که قلم و کاغذ برداشتم و نوشتم.

والسلام  
احمد